

## از طبقه کارگر ایران به قوای سه‌گانه!

ثریا شهابی



با نگاهی سریع به چند خبر کوتاه در ایران و در هفته گذشته، تصویر گذرایی میتوان از سیر رویدادها در ایران، گرفت! منظور اخباری است که سیر رویدادهای تعیین کننده امروز ایران را ترسیم میکند و نه مانورهای هسته ای و تحریم و اراجیف ترامپ و جواب های جناب ظریف یا ابعاد فاجعه بار کرونا و فقر و کشتار «کوله بر» های «تنها» در کوهستانهای کردستان و اعدام های «یواشکی»! ... صفحه ۳

## زنجیرها گسسته می شوند!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۲

## انفجار در بیروت، جنایت دیگر

فواد عبداللهی



هنوز دو ماه از شورش و طغیان میلیونی در آمریکا و اروپا به بهانه قتل «جورج فلوید» نگذشته بود که انفجار مهیب روز سه‌شنبه گذشته در بیروت بار دیگر نفس را در سینه میلیون‌ها انسان در جهان حبس کرد. موج عظیم انسان دوستی و همدردی با قربانیان این فاجعه همراه با خشم و نفرت از مسببین و بانیان آن، یکبار دیگر هم‌نشستی مردم جهان علیه نظم کاپیتالیستی موجود را بنمایش گذاشته است. تاکنون صدها نفر کشته شده‌اند و بیش از پنج هزار نفر زخمی‌اند. فرماندار بیروت اعلام کرده که تبعات این فاجعه، به سیصد هزار نفر بی‌خانمان ختم شده است. هنوز علت این انفجار بطور رسمی مشخص نشده است. مقامات رسمی علت احتمالی را مقادیر ۲۷۵۰ تن نیترات آمونیوم ذخیره شده در انبارهای نزدیک بندر می‌دانند. این حجم از مواد منفجره از سال ۲۰۱۴ چیزی که روزنامه گاردین همان زمان نوشته بود که در حکم یک بمب شناور روی آب‌ها است. حسن دیاب نخست وزیر لبنان اقرار کرده است که در مدت این شش سال هیچگونه اقدام پیشگیرانه‌ای از این محموله، جهت امنیت شهروندان صورت نگرفته است! می‌گویند که قدرت این انفجار در حد یک پنجم قدرت بمب اتمی است که روی سر هیروشیما ریخته شد. چندش آور است در حالیکه مردم جهان آغوش خود را برای بازماندگان قربانیان گشوده اند و اعلام همبستگی می‌کنند اما پهلوان پنبه‌های راست افراطی از ترامپ تا نتانیاهو و جنس بنجل ایرانی آن از قماش فرشگرد از این تراژدی بعنوان «والنتاین» یاد می‌کنند؛ درست همانگونه که با قتل «فلوید» برخورد کردند! این جنایت قابل پیشگیری بود همانگونه که آتش‌سوزی ساختمان گرندفل در لندن قابل پیشگیری بود. این انفجار می‌توانست هرگز به وقوع نپیوندد همانگونه که آتش‌سوزی و فروریختن ساختمان پلاسکو در تهران، اوکلاه‌ها در آمریکا، داکار در بنگلادش، نشت نفت در خلیج مکزیک و ... می‌توانست رخ ندهد. ... صفحه ۵

## اعدام، ارباب و خیزش بعدی علیه

## جمهوری اسلامی

مصطفی اسدپور صفحه ۶

## تحولات مهمتری در راه‌اند!

محمد فتاحی

شروع هماهنگ و همزمان اعتصابات کارگری در مهم ترین شاخه های صنعت ایران، صرف نظر از چند و چون مطالبات و خواسته ها، انفجاری در افکار عمومی و بمبی زیر پای کل طبقه حاکمه بود. رژیم که زیر سایه حمله کرونا، خود را برای مقابله با دور سوم طغیانهای میلیونی و سرکوب خونین تر آن آماده کرده بود، خود را یک باره «خلع سلاح» شده و «فلج» یافت. توده میلیونی به جان آمده که راهی برای پیگیری جنگ متوقف شده خویش می جستند، ناگهان سورپریز شده‌اند. هفت تپه ای ها هم که در دوره گذشته ظاهرا به تنهایی بیرق طبقه خویش را در دست داشتند، ناگهان چندین گردان رزمی طبقه خویش را در کنار سنگرهای خود یافتند. با این حرکت، نقطه مهمی از شروع جدیدی در تاریخ سیاست ایران، به روشنی قابل مشاهده است.

تاریخ شروع پروسه ای که به انقلاب کارگری منتهی میشود را طبعاً بعداً خواهند نوشت! اما جای تردید است که حرکت هماهنگ کارگران بخشی از مهمترین صنایع ایران امروز، در لیست وقایع منتهی به انقلاب، صفحات اول را به خود اختصاص ندهد. آیندگان در چگونگی نگارش تاریخ تحولات آتی مختارند! اما بی تردید حرکت کارگری این روزهای ایران، نمی تواند بعنوان نقطه شروعی در تبیین تاریخ مدرن ایران مورد رجوع قرار نگیرد.

### آچمز جمهوری اسلامی

موقعیت آچمز شده رژیم حاکم بر ایران در مواجهه با این رویدادها که او را از اتخاذ هر سیاستی در قبال کارگران به وحشت انداخته است، دیدنی است. حکومتی که در مقابل این تحرکات احساس می کند که تماما در بن بست قرار گرفته است.

میداند که اگر با خواست های کارگران موافقت کند، میلیون ها کارگر در سرتاسر این کشور منتظر ادامه ماجرا و در حال جنب و جوش برای یک خیز تاریخی دیگراند. و میدانند که مخالفت با مطالبات شان هم یعنی به میدان آوردن نیروی سرکوب؛ اما شانس جمهوری اسلامی در سرکوب تنها به سرعت پیشروی صف مقابل می افزاید. اگر صف حاشیه نشینان شورشی در خیابان ها را بتوان به رگبار بست، مراکز صنعتی و محل کار و زندگی مردم را نمیشود به همان شکل زیر توپ و تانک گرفت. فرصت دادن هم عملاً امکان گسترش اعتراضات و اعتصابات محل کار و زندگی را فراهم می کند. به رهبران و دست اندرکاران اعتصاب فرصت میدهد تا بر روی نقشه های شان فکر و مشورت کنند، مجمع عمومی های بیشتری فراخوان دهند و با تربیت رهبران تازه نفس تر و بیشتر در عمل و در کوران اعتصابات و اعتراضات، بر گسترش و استحکام صفوف خود متمرکز شوند. فرصت کنند که مراکز دیگری را هم برای حمایت از اعتراض خویش به میدان دعوت کنند و در میدان نکه دارند. صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

از دریچه این نقطه شروع، می‌توان به روشنی موقعیت آچمز هییت حاکمه ایران را به روشنی دید.

این دنیای پسا هفت تپه است

این فقط دنیای پسا طغیان های میلیونی دیماه و آبان برای آتش زدن تاج و تختشان نیست، بلکه دنیای پسا هفت تپه هم هست که چگونگی سازماندهی مجامع عمومی منظم و سازمانی یافته و شورا را به همه درس داده است! چگونه زندگی شورایی و مجامع عمومی هر روزه را به همگان آموخته است، پروسه تربیت رهبران و سخنوران و نمایندگان و سخنگویان را در محضر جامعه پیش برده است و برای هر تاکتیک دشمن ضد تاکتیک متناسب اتخاذ کرده است. بعلاوه، از همین امروز در مقابل دشمنان رنگارنگ در اپوزیسیون، مرزهای روشن و کاملا قابل رویتی کشیده است. شورا نه فقط برای مبارزه که برای زندگی هم، چیزی نیست فعال کارگری کنار مرز آنسوی کشور از هفت تپه ای ها نشنیده باشد. با انقلابی که هفت تپه در افق سیاسی، در استراتژی، در تاکتیک، در سبک کار و تشکل و سازماندهی و نوع اتخاذ یک سیاست کارگری کرده است، رابطه طبقه کارگر و طبقه حاکم را تغییر اساسی داده است.

تحركات کارگری از این تاریخ به بعد، می رود که هر روز جامعه و طبقه حاکمه را بیش از پیش سورپریز کنند. هفت تپه، نه تنها به هم طبقه ای هایش که به همه مردم ایران، آموخت که باید در درون صفوف خویش اتحاد مستحکمی ایجاد کند، چگونه آن را ایجاد کند و چگونه چون هفت تپه با قدرت یکی پس از دیگری ترفندهای رنگارنگ حاکمان را خنثی کند.

هفت تپه به همه آموزش داد که بدون یک آموزش دائم در صفوف خویش، بدون آگاه سازی صفوف خویش به منافع طبقاتی، و بدون گسترش آگاهی کمونیستی، بویژه در دل و در کوران یک مبارزه زنده و پویا، پیشروی این جنگ ممکن نیست. هفت تپه تجربه کرد که باید جنبش خود را با اتکا به خانواده های کارگری و مردمان شهر، هر روز قویتر کند. تجربه گرفت که روز به روز بر تعداد رهبر و سازمانده و سخنور و نماینده بیفزاید... درس های هفت تپه را بی تردید رهبران مراکز دیگر کارگری یک به یک مرور کرده و در مسیر پیشروی الگوی کار خود کرده و می کنند.

اما در خاتمه، موضوع مهم توازن قوا

در این شرایط، این دستاوردهای سیاسی استراتژیک هفت تپه را ضریب حضور قدرتمند مراکز مهم کارگری کنید تا سطح تغییر در توازن قوا را دریابید! آمد و رفت های هیات های نمایندگی مجلس اسلامی و هفت تپه، میان شوش و تهران، بیشتر به مذاکرات دوقدرت در دو پایتخت دنیای امروز شباهت دارد. نتیجتا اگر یکی از شرکت کنندگان در اعتراضات دوره قبل را امروز با چسباندن اتهامات امنیتی به او، برای زهر چشم گرفتن از دشمن، که مردم باشند را اعدام میکند، جایی که با مبارزه سازمان یافته کارگری روبرو میشود، تمام نقشه های دولت و قوه قضایی و وزارت اطلاعات و سیستم شکنجه و صدا و سیما و همه و همه شکست میخورند. در تناسب قوای جدید، نظام سیاسی اقتصادی حاکم بیش از این سورپریز خواهد شد.

تحولات مهمتر و روزه های تعیین کننده تری در راه اند...

**زنجیره اعتصابات کارگری، در راس و پیشاپیش آن ها اعتصاب قدرتمند و متحد کارگران شرکت هفت تپه، سنگرهای بهم پیوسته پیشروی کل طبقه کارگر برای رفاه، آزادی و برابری و اعلام این واقعیت عظیم است که طبقه کارگر آگاه امروز می رود تا با اتحاد صفوف خود، با گذاشتن دستها در دست هم و همبستگی طبقاتی، با مبارزه مشترک خود بعنوان یک طبقه، مهر خود را به آینده و سرنوشت جامعه بزند.**

## زنجیرها گسسته می شوند!

به دنبال بیش از یک ماه و نیم اعتصاب قدرتمند و پیگیر و متحدانه هزاران کارگر نیشکر هفت تپه، موجی از اعتصابات گسترده و هماهنگ کارگری در پالایشگاه های نفت و پتروشیمی جنوب ایران از جمله پتروشیمی لامرد، پالایشگاه آبادان، پالایشگاه نفت سنگین قشم، پالایشگاه ها و پروژه های نفت و گاز در عسلویه، پارسین و فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی کنگان و بخشهایی از کارگران شرکتهای پیمانکاری دیگر شروع شده است. همزمان با اعتصاب کارگران بخش نفت و پتروشیمی ها، اعتراضات کارگران پیمانی شهرداری ها و راه آهن در شهرهای مختلف در جریان است. امروز پالایشگاه های فجیره، کنگان و پتروشیمی پارس و کارگران فاز ۱۴ پارس جنوبی و کارگران هپکو به اعتصابیون پیوستند.

مطالبه مشترک کارگران اعتصابی و معترض در بخشهای مختلف پرداخت حقوق های معوقه، افزایش دستمزد و مزایای کار، لغو قراردادهای موقت، انحلال شرکتهای پیمانکاری، تعیین تکلیف مالکیت مراکز تولیدی و قبول مسئولیت دولت در قبال این مراکز است.

طبقه کارگر ایران تجربه چهار دهه اعتراض و سرکوب آن توسط ماشین سرکوب رژیم، از خون پاشیدن نیروهای امنیتی و قضایی به اعتراضات، تیراندازی به کارگران خاتون آباد یزد، تا احکام شلاق برای کارگران معادن، اخراج نمایندگان کارگران هفت تپه و فولاد، بازداشت و شکنجه و صدور احکام زندان را دارند. اینبار با اعتصابات و اعتراض هماهنگ در مهمترین مراکز تولیدی، با خواباندن صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، طبقه کارگر با نشان دادن قدرت خود، دشمن مشترک و طبقاتی را به جدال میطلبید. این نقطه چرخشی در رابطه طبقه کارگر و مردم محروم در جدال بر سر رفاه، آزادی و برابری، با یکی از مستبدترین دولتهای حاکم است.

با این اعتصابات توازن قوای طبقاتی در ایران از دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، از اعتصابات رانندگان شرکت واحد تهران، فولاد اهواز، هپکو، آذرباب، معادن، هفت تپه و... در این سالها تا به امروز تغییر کرده و زنجیره های استبداد و سرکوب را یکی پس از دیگری پاره و حاکمان سرمایه را به مصافی طبقاتی و سرنوشت ساز میطلبید!

امروز طبقه کارگر در ایران به یمن تلاش چهار دهه کارگران رادیکال، آگاه، جسور و سوسیالیست و کمونیستهای این طبقه، چهار دهه رودرروی آشکار با بورژوازی در ایران، چهار دهه تلاش در حفظ اتحاد طبقاتی خود، در متکی کردن اعتراض خود به مجامع عمومی و شوراهای کارگری، اعلام میکند برای دست و پنجه نرم کردن با بورژوازی، از کارفرما تا نمایندگان سیاسی آن ها در دولت، مجلس، دستگاه قضایی و امنیتی آن آماده است.

زنجیره اعتصابات کارگری، در راس و پیشاپیش آن ها اعتصاب قدرتمند و متحد کارگران شرکت هفت تپه، سنگرهای بهم پیوسته پیشروی کل طبقه کارگر برای رفاه، آزادی و برابری و اعلام این واقعیت عظیم است که طبقه کارگر آگاه امروز می رود تا با اتحاد صفوف خود، با گذاشتن دستها در دست هم و همبستگی طبقاتی، با مبارزه مشترک خود بعنوان یک طبقه، مهر خود را به آینده و سرنوشت جامعه بزند.

روز که طبقه کارگر بعنوان یک تن واحد، یک طبقه متحد و سازمان یافته در مجامع عمومی و شوراها و سازمانهای کارگری در نبردی بیابنی پوزه بورژوازی و حاکمانشان را بر خاک بمالد، نزدیک است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)  
۱۲ مرداد ۹۹ (۲ اوت ۲۰۲۰)

**میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها است**

بلکه منظور اخباری است که از ورای آنها، سرعت رویدادها، کاراکترهای اصلی شکل دادن به آن، و سمت و سوی آینده «ماکرو» و سراسری ایران را میتوان به روشنی دید. همه چیز از هفت تپه شروع شد و ایران پسا هفت تپه!

۷ مرداد ۹۹: در چهل و چهارمین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه: «قوه قضائیه از کارگران هفت تپه خواست به اعتصاب پایان دهند»

۱۱ مرداد: نماینده مردم شوش در مجلس گفت: مطالبات کارگران هفت تپه روز چهارشنبه ۱۵ مرداد از سوی هیات رییس مجلس شورای اسلامی پیگیری میشود. ۱۲ مرداد: بسیاری از کارگران پالایشگاه جفیر در نزدیکی اهواز هم به اعتصاب کنندگان پالایشگاههای آبادان، نفت سنکین قشم، پارسیان لامرد و فازه‌های ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی پیوستند.

۱۴ مرداد: اعتصاب کارگران صنعت نفت و پتروشیمی؛ پالایشگاه اصفهان نیز به اعتصاب پیوست

۱۶ مرداد: «جلسه بررسی مشکلات کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه: در نشستی به ریاست علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس و با حضور ۱۰ تن از نمایندگان کارگران مجتمع هفت تپه و همچنین رئیس سازمان خصوصی سازی، تعدادی از نمایندگان و مسئولین دستگاههای ذیربط برگزار شد.»

۱۶ مرداد: بیانیه ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در سراسر دنیا درباره اعتصابات در ایران، منتشر شد!

۱۶ مرداد: دولت دوشنبه آینده (۲۰ مرداد) در مورد هفت تپه تصمیم میگیرد! رئیس سازمان خصوصی سازی گفت: دوشنبه هفته آتی در جلسه ای با حضور معاون اول رئیس جمهور در مورد مجتمع هفت تپه تصمیم گیری خواهد شد.

همه چیز از هفت تپه شروع شد و ایران پسا هفت تپه! فاصله خود شیرینی و خودمایی قوه قضائیه و رئیس مربوطه آن در کیس زندانیان هفت تپه و تلاش برای استفاده از آن برای «میل کردن شکرزیادی» و «درخواست» از کارگران برای پایان اعتصاب، تا تسلیم شدن هر سه قوا حکومتی، کمتر از یک هفته بطول انجامید! همه شان، در سه قوه، مقننه و مجریه و قضائیه با اجازه مقام معظم ناچار شدند فوراً به خواست کارگران اعتصابی هفت تپه گردن بگذارند! همه شان اهرم فشار اعتصابات گسترده بخش های مختلف صنعت نفت و پتروشیمی و پیوستن به هفت تپه ای ها و افزوده شدن به اعتصابات مراکز مهم صنعتی دیگر یکی پس از دیگری، بر روی خود و نظام شان تا مغز استخوان حس کردند. عقب نشستند! میتوان مجبورشان کرد بیشتر و بیشتر عقب نشینند!

حرکت عظیم کارگری در جریان در مهمترین بخش های صنعتی ایران، که جنوب ایران را به تسخیر خود در آورده است، هم برای حکومت و هم برای طبقه کارگر، قابل پیش بینی بود! صحنه جاری، گویای روشن این حقیقت است که دو صف در مقابل هم قرار گرفته اند! یک صف طبقه ای که راهی برای رضایت و سنگری برای عقب نشینی ندارد، و صف دیگر حکومتی که راهی جز فساد و گرسنگی دادن و سرکوب به فقر و فلاکت کشاندن میلیونها شهروند اسیر دست حاکمیت اش، نمی داند و دیگر راه «کم هزینه» و «کم خرجی» برای مقابله ندارد! یک طرف حکومتی است که بیکاری و بیگاری و اخراج و دستگیری و اعدام و خاموشی بزرگ و کشتار و حمله به شورش های مردمی و حمله به اعتصابیون و اعتراض کارگری و دانشجویی و معلمین و بازنشستگان و زنان، همه و همه را تجربه کرده است! و ناکارایی آن امروز تماماً بر سرش خراب شده است! یک طرف دیگر طبقه کارگر است که پشت به دهها میلیون مردم به فغان آمده از مرگ بر اثر گرسنگی و بیکاری و کرونا و بی مسئولیتی و فساد و میلیتاریسم و زندان و اعدام و سرکوب، دیگر جان به لبش رسیده است! طبقه کارگری که به قدرتش در محل های کار دست برده است! به قدرتش به شکل متشکل و متحد، دست برده است و یکی پس از دیگری هفت تپه را تکثیر کرده و به سراسر خوزستان کشانده است! طبقه ای که کشانده شدن مبارزه و اعتراضش به سراسر ایران را میتوان به روشنی در دورغا، دید! حکومت چاره ای جز عقب نشینی ندارد! باید مجبورشان کرد عقب بنشینند و به خواست همه بخش های مختلف طبقه کارگر ایران،

همه محرومین و مردم گرفتار تحت حاکمیت شان، گردن بگذارند! بی تردید حکومت، متحد و منسجم و سازمان یافته به فکر «نحوه» عقب نشینی با حداقل دستاورد برای کارگران و حداکثر فرجه و فرصت برای خودش است! بی تردید حکومت در عین حال بر روی «برکات» ایجاد شکاف و تفرقه در میان کارگران، بر روی برکات تحرکات نامربوط دستجات سناریو سیاهی در درون خودش و در بیرون از خودش در به اصطلاح اپوزیسیون، چون «برکات» جنگ و کرونا و شکاف با آمریکا و .. امید می بندد! اما بی تردید طیف کارگران پیشرو متحد و متشکل که این مبارزات را هدایت میکنند هم، متحد و متشکل و هماهنگ و همبسته به راه مقابله، راه گسترش مبارزه، و راه کشاندن حکومت به بیشترین عقب نشینی ها با کمترین خسارت برای کارگران و بیشترین دستاورد برای کارگران، فکر میکنند و برای آن خود را آماده میکنند! ایران روزهای پرتحوالی در پیش دارد! باید به پیشواز آن رفت!

#### انفجار بیروت؛ جنایتی دیگر...

این جنایت می توانست لگام زده شود همانگونه که پاندمی ویروس کرونا از یک دهه پیش قابل ردیابی و پیشگیری بود. آنچه در جهان ما افسار گسیخته است، نظام سرمایه داری و قانون سود است. دولت ها و حکامی که مسیبن اصلی ناامن کردن جهان ما هستند و در پیشگاه سود سرمایه از بخون کشیدن جامعه آبنای ندارند. انفجار بیروت در کنار پاندمی کرونا و قتل فلویید، همزمان بیگانگی سرمایه داری و دول آن، از الگوهای سفید حاکمیت بشکل دموکراسی پارلمانی در غرب تا اشکال سیاه قومی - مذهبی آن در خاورمیانه را با هر نوع تمدن، هر نوع انسان دوستی، هر نوع حرمت و کرامت انسانی، به نمایش گذاشت. اکنون جهانیان دوباره شاهدند که دولت های بورژوازی به جای تخصیص هزینه برای امنیت، رفاه و خوشبختی بشر در قرن ۲۱، میلیاردها دلار از دارایی های عمومی را صرف زرادخانه های تسلیحاتی خود می کنند؛ امروز همه می دانند که رقابت قدرت های بورژوازی، چه جهنمی را به زندگی مردم جهان تحمیل کرده است. همه می دانند که سرمایه داری چه ظرفیتی برای نابودی کره زمین در اختیار دارد. هر اندازه این نظام ثروتمندتر می شود به همان میزان طبقه کارگر و اکثریت جامعه، از امنیت و نعمات مادی محروم تر می شوند.

با انفجار در بیروت، بار دیگر چهره ضد انسانی نظام قومی - مذهبی حاکم بر لبنان، بیرحمی و شقاوت آن، ریاکاری و دروغگویی و لگام گسیختگی حاکمین و بی ارزشی جان و سلامت اکثریت مردم نزد آنها عیانتر شد. مردم لبنان حق داشتند که از اکثر پارسال در ابعاد توده ای برای تغییر شرایط زندگی خود و خلاصی از دست حاکمیت قومی - مذهبی موجود، جرقه یک خیزش اجتماعی را بزنند. حق داشتند که علیه تبعیض قومی و مذهبی، علیه فساد و نفاق نهادینه در قانون بشورند. حق داشتند چهره خاورمیانه را تغییر دهند و پیشقراول سرنوشتی دولتهای سرهم بندی شده در منطقه باشند. این مردم قبل از شیوع پاندمی کرونا حکم به رفتن نظام طایفه ای و فدرالی، داده اند؛ حکم به رفتن نظام معروف به «نظم نوین جهانی» و قیام علیه مدل حکومتی قومی - مذهبی در خاورمیانه داده اند. انقلاب علیه سیاستی که مردم خاورمیانه و طبقه کارگر را در باتلاق ناامنی، تروریسم اسلامی و نفرت قومی - مذهبی فرو برده است:

در دنیای پسا کرونا و در لبنانی که هم اکنون آکنده از خشم و طغیان علیه بورژوازی خودی است انفجار بیروت متزاد با قتل جورج فلویید در آمریکا است؛ دیر یا زود به رود مذاب طغیان های اجتماعی وصل خواهد شد. امروز مبارزه مردم لبنان بلاواسطه به جنبش ضد کاپیتالیستی و عدالتخواهانه بین المللی متصل است؛ به مبارزه طبقه کارگر و محرومانی گره خورده است که ناقوس تعرض به ساحت نظام سرمایه داری را از آمریکا و اروپا تا خاورمیانه بصدا درآورده اند. هم اکنون بیش از هر زمان دیگر تغییر رادیکال در جوامع بشری ممکن و شدنی است؛ افق ساختن یک جهان سوسیالیستی بر پایه حقوق جهانشمول و تخطی ناپذیر انسان، افق یک خاورمیانه پیشرو، آزاد و برابر با تضمین یک امنیت پایدار گشوده شده است.

# نه قومی نه مذهبی زنده باد همبستگی انسانی

## اعدام، ارباب و خیزش بعدی علیه جمهوری اسلامی

مصطفی اسدپور



جمهوری اسلامی پس از چند هفته نمایش مسخره ارباب، مصطفی صالحی را بجرم شرکت در تظاهرات های آبان اعدام کرد. هیچ کس بهتر از جمهوری اسلامی، بالا و پایین این حکومت نمیدانند که خیزش آبان در یک قدمی تلاشی کل این رژیم از نفس افتاد. این خیزش بنیاد این حکومت را با خاکستر یکسان میکرد. تلنبار نفرت از چهل سال سرکوب و عسرت و محرومیت و ارتجاع سنگ را روی سنگ بند نخواهد گذاشت. آبان به خیر گذشت، هیچ کس بهتر از جمهوری اسلامی نمیدانند که باید منتظر خیزش بعدی باشد.

هیچ کس بهتر از شرکت کنندگان در خیزش آبان از ظرفیت آدمکشی این حکومت آگاهی نداشت و اعدامش را نمیشناخت. آبان به نتیجه نرسید، هیچ کس بهتر از شرکت کنندگان نمیدانند که باید برای خیزش بعدی آماده تر، مصمم تر، از خود گذشته تر نیرو جمع کند.

آن جامعه تا اعماق خود به خون آغشته است. همه جا صحنه مرگ انسانها است. دولت میکشد، دادگاه میکشد، کارفرما میکشد، بانک مرکزی با بازی تورم با جان مردم بازی میکند و میکشد، دستمزدهای زیر خط فقر زندگی روزمره را برای میلیونها نفر با گرسنگی و خفت و خودکشی عجیب ساخته است.

خیزش آبان سند مهلک غیر قابل انکار بر بیهودگی توهم به هرگونه بهبود اوضاع بود. آیا واقعا جای تعجب دارد کسانی بر علیه این اوضاع برخیزند، نترسند، جان بر کف بگذارند و این حکومت ننگین را نخواهند و زندگی شایسته تری را برای خود و هموعان خویش آرزو کنند و پی بریزند؟

مسخره است که دستگیر شدگان تظاهرات ها را به جرم عناد با نظام به چوبه دار میسپارند. در حالیکه هیچ دشمنی هرگز با این درجه از قساوت دست نزده است. مسخره است دستگیر شدگان را به جرم ارتباط با دشمنان محکوم میسازند. این در حالی است که خود صحنه اعتراضی ماشین پرکار تولید یاغی و جان به لب رسیدگان است. مسخره تر از هر چیز معترضان را بر صندلی اتهام «مقاصد مسلحانه» مینشانند. جمهوری اسلامی بهتر از هر کسی میداند که این مردم به تپانچه بدوی و تظاهر به تیراندازی نیازی ندارند، این مردم در زمان مقتضی در فتح پادگان ها لحظه ای درنگ نخواهند کرد، این مردم برای اتمام نقشه خود در ویرانی هر نشانی از حکومت نیازشان به توپخانه و واحدهای زرهی بیشتر است. مسخره آنجاست که قتل و انتقام از معترضان را در پوشش اطوار دادگاه و در پشت دیوار زندانها مخفی میکنند، در حالیکه این مردم نام و نشان بازجوها و قاتلان را از میان مقامات و سرجوخه ها بخوبی باز میشناسند.

صف اعتراض و حق طلبی علیه جمهوری اسلامی نیازی به اسطوره پوشالی شهید پروری ندارد. وجدان و شرافت انسانی در آن جامعه سرمایه عظیمی از مبارزه جویی در پاسداری از ارزشهای انسانی، در شور و آزادیخواهی، و در تعصب و پافشاری در برابری شهروندان گرد آورده است. جنبش آزادی و برابری قدر مبارزان صفوف خود را بخصوص در ساختن دنیای دیگر بر ویرانه های بجا مانده از جمهوری اسلامی میداند. سرنوشت تلخ مصطفی صالحی و خیزش نامام آبان تأکیدی بر این واقعیت است که ناچاریم خود را بهتر سازمان دهیم، با تهور بیشتر برای یکسره کردن کار خیز برداریم.

# قدرت طبقه کارگر در اتحاد اوست؛ کارگران جهان متحد شوید!

hekmatist.com

صدای آزادی، صدای برابری



تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی